

تحقیق در مساله با امتداد گفتگو از اعتبار نظر کارشناس و حاصل آزمایشات/دلیل اعتبار

آن چه به عنوان کارشناسی مطرح می شود در واقع (و ثبوت) گاه ماهیت شهادت از واقع خارجی دارد؛ نظیر کارشناسی که از قیمت کالایی چون ارز، طلا و اتومبیل و اجناس غیر مستعمل خبر میدهد، و گاه نظر، حدس و تخصص در آن اعمال می شود؛ نظیر کارشناسی خانه و اجناس مستعمل.

در خارج (و اثبات) ما با سه قسم مواجهیم: قسمی که قطعا از گروه اول و قسمی که به وضوح از گروه دوم و بخشی که دخولش در یکی از دو گروه قابل بحث است؛ نظیر قول لغوی.¹

در هر یک از اقسام، کارشناسی یا موجب اطمینان به وفاق است و یا نیست.

و از آن جا که کارشناسی از قسم اول از مصادیق شهادت از حس است و مشهور فقیهان² در شهادت، تعدد، عدالت و جنسیت خاص را شرط می دانند و کلامشان عموما نسبت به افاده اطمینان و عدم مطلق است، پس در فرض اول نباید صرف اطمینان را کافی دانست و این در حالی است که نسبت به قسم دوم بر عدالت (که وثوق داخل در آن است) و اهل خبره بودن (تخصص) تاکید می شود؛ قهرا در این قسم تعدد معتبر نیست، لکن صرف وثوق هم کفایت نمی کند بلکه باید وضعیت کارشناس به مرز عدالت برسد.

گفتنی است دریافت از برخی متون مشهور در این مساله³، قدری متفاوت از آن چه بیان گردید، است و - بالطبع - مراجعه به آن ها خالی از فائده نیست.

آن چه مقتضای تحقیق می نماید: کفایت نظر کارشناس مطلقا (بدون اعتبار عدالت، تعدد و جنسیت خاص) در هر دو فرض - البته به شرط وثوق و اطمینان است. چنان که شرط تخصص در قسم دوم اضافه می شود. این حکم مقتضای اصل است و دلیل خاص می تواند بر وضعیت دیگری دلالت کند. البته در مهام امور چون تعیین محکوم علیه (حقوقی و کیفری) با امکان تحصیل علم، نمی توان به آن چه بیان گردید، فتوا داد. واضح است که در فرض وجود امارات قانونی دیگر باید به اقتضای آن امارات پای بند شد.

آن چه بیان گردید در پیوند با کارشناسی کارشناس بود، واضح است که آزمایشات مورد بحث به عنوان ابزاری در خدمت کارشناس در هر دو فرض آن است و حساب مستقلا ندارد تا از آن مستقلا گفتگوی فقهی شود.

1. ر.ک: مصباح الاصول، ج 2، ص 131.

2. این نسبت قابل پیگیری است، هر چند ظاهر همین است که در متن گفته ایم.

3. مثلا مکاسب شیخ اعظم در گفتگو از تعیین ارش در خیار عیب و متون پیرامون.

قصاص

در خصوص قصاص گاه گفته می شود: از مجموعه رفتار شارع و برخی روایات استفاده می شود که مقام قضایی نباید احتیاط را در توقف از داوری قرار دهد بلکه احتیاط مقتضی ، اکتفا به اطمینان و حکم به مثل قصاص است. به عنوان نمونه توجه کنید:

«عن ابی عبدالله - علیه السلام - قال: انما جعلت القسامة احتیاطا للناس لکیما اذا اراد الفاسق ان یقتل رجلا او یغتال رجلا حیث لایراه احد خاف ذلک فامتنع من القتل»⁴

«عن ابی عبدالله - علیه السلام - قال: ان الله حکم فی دمائکم بغیر ما حکم به فی اموالکم، حکم فی اموالکم ان البینه علی المدعی والیمین علی المدعی علیه و حکم فی دمائکم ان البینه علی المدعی علیه و الیمین علی من ادعی لئلا یبطل دم امرئ مسلم»⁵.

این تعابیر نه در حدود وجود دارد و نه در دعاوی حقوقی و مالی، با این که در دعاوی حقوقی هم گاه توقف در داوری موجب تضییع حق می شود.

لکن به هر حال، از این تعینات نمی توان خلق نهاد کرد و به اعتبار محض اطمینان در قصاص قائل شد بلکه باید در چارچوب تعیین شده در نصوص و متون فقهی که جریان لوث و قسامه است قائل شد یا از طریق پی گیری واقعه به یکی از دو حالت اول رسید و بنابر اعتبار علم، مطابق آن، حکم به قصاص یا دیه نمود.

گفتاری کوتاه از مانعیت اطمینان به خلاف

آن چه تا کنون از آن گفتگو شد، گفتگو از اعتبار اطمینان و عدم آن بود، لکن گاه سخن از مانعیت اطمینان بر خلاف مفاد امارات قانونی است. در این باره قبلا اشارتی داشتیم، معمولا فرض علم (حالت اول و دوم) به خلاف مورد اشاره فقیهان قرار گرفته است و بر مانعیت آن تاکید شده است. نسبت به اطمینان کمتر گفتگو شده است.

واضح است که اظهار رای در این باره بریده از موضع فقیه نسبت به اعتبار ایجابی اطمینان و مثل قبول یا رد قاعده درأ (در حوزه ای که قاعده جاری است) نیست ، با این توضیح :

4. وسائل الشیعة، ج 29، ابواب دعوی القتل، باب 9، ص 151، ح 1.

5. همان، ص 153، ح 4.